Archive of SID

غزل سرای سمرقند
(نقد و بررسی زندگی و شعر میرزا هادی سمرقندی)

دکتر ابراهیم خدایار*

چکیده

میرزا هادی سمرقندی (۱۲۴۶- ۱۳۰۹ق/۱۸۳۰- ۱۸۹۱م) از شاعران صاحب دیوان قرن سیزدهم و نیمهٔ نخست قرن چهاردهم قمری/ قرن نوزدهم میلادی در ماوراءالنّهر است. دوران زندگی این شاعر عزلت‌پیشه، مصادف با فرمانروایی خانهای قُنقُرات در خوارزم، مَنغیت در بخارا، مینگ در خوقند و پادشاهان قاجار در ایران است. دربارهٔ زندگی و شعر این شاعر نازک‌خیال اقوال متناقض، بل نادرستی در منابع مؤلّف در آسیای میانهٔ قرن بیست نوشته شده و از این طریق به منابع اندک شمار تألیف شده در ایران نیز راه یافته است. در این مقاله برای نخستین بار، زندگی و شعر میرزا هادی سمرقندی بر مبنای منابع دستِ اوّل آسیای میانه، بررسی و تحلیل و در سه بخش تنظیم شده است:

۱- مقدّمه و پیشینهٔ تحقیق؛
۲- زندگی‌نامهٔ هادی سمرقندی؛
۳- نقد و بررسی دیوان میرزا هادی.

---

* - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ وصول ۸۵/۱۰/۴ تاریخ پذیرش ۸۶/۳/۲۳

www.SID.ir

Archive of SID

واژه‌های کلیدی
ادبیّات تاجیک، ماوراءالنّهرِ قرن نوزدهم، محیط ادبی سمرقند، میرزا هادی سمرقندی، واعظ قزوینی.

مقدّمه

۱-۱. درآمد

هرچند فضای سیاسی و اجتماعی قرن سیزدهم و دو دههٔ نخست قرن چهاردهم قمری در ایران، تفاوت اساسی‌ای با فضای سیاسی و اجتماعی حوزهٔ فارسی‌گویان و فارسی‌زبانان جهانی ایرانی در ماوراءالنّهر نداشت، اشغال ماوراءالنّهر و اضمحلال و تضعیف قدرت پوشالی خانها و امارات سه‌گانهٔ این منطقه از سوی روسیهٔ تزاری که با تسخیر تاشکند و مضافات آن در سال ۱۲۸۲ق/ ۱۸۶۵م از خان‌نشین خوقند شروع شد و با فتح سمرقند در سال ۱۲۸۵ق/۱۸۶۸م از امارات بخارا وارد مرحلهٔ جدیدی شد؛ فضای کاملاً متفاوتی را در این منطقه حاکم کرد. این فضا بر تمام شؤون اجتماعی و مدنی مردم مؤثّر واقع شد و نتیجهٔ قهری آن، بویژه در سالهای پایانی این دوره، تسلّط بی‌چون و چرای فرهنگ و مدنیّت روسیّه بر منطقه و جدایی روزافزون محیطهای فرهنگی و ادبی آن با ایران شد *(ر.ک: توخلیف، و کریمنتس‌اوا، ۲۰۰۲: ۱۸۹؛ باسورث، ۱۳۸۱: ۵۵۴ و ۵۵۹؛ سارلی، ۱۳۶۴: ۲۴- ۲۵؛ امین‌اف، و دیگران، ۱۹۹۷: ۱۵۶- ۱۵۹).*

از سوی دیگر، جریان غالب ادبی رایج در محیطهای ادبی منطقهٔ ماوراءالنّهر در سراسر این دوره، تفاوت اساسی دیگری نیز با محیط ایران داشت؛ بدین ترتیب که در این محیطها برخلاف محیط ادبی ایران که شاعران آن از نیمهٔ دوم قرن دوازدهم قمری/ هیجدهم میلادی، بویژه از قرن سیزدهم قمری/ نوزدهم میلادی، در زمان فتحعلی شاه قاجار (حک. ۱۲۱۲- ۱۲۵۰ق/ ۱۷۹۷- ۱۸۳۴م) با حرکت آگاهانه‌ای، سبک بازگشت را بنیان نهاده بودند؛ جریان حاکم ادبی آن، سبک هندی، خصوصاً توجّه به سبک و اسلوب شاعر برجستهٔ شاخهٔ هندی این سبک، میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی (۱۰۵۴- ۱۱۳۳ق/ ۱۶۴۴- ۱۷۲۱م) بود *(ر.ک: عینی، ۱۹۲۶: ۲۸۸- ۲۸۹؛ هادی‌زاده، ۱۹۸۸: ۱۲۶- ۱۲۷؛ عزیزقل‌اف، ۱۹۸۹: ۲/ ۱۳۷- ۱۳۸؛ هادی‌زاده، ۱۹۶۸: ۱۲۸؛ بچکا، ۱۳۷۲: ۴۸- ۵۵؛ آرین‌پور، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۳- ۲۰؛ شمیسا، ۱۳۴۵: ۳۰۵- ۳۰۷).*

www.SID.ir

Archive of SID

آنچه در ادامهٔ بحث و در بخشهای مختلف آن خواهد آمد، بررسی و تحلیل زندگی و شعر میرزا هادی سمرقندی، شاعر این دوره و معرّفی آن به جامعهٔ ادبی ایران و فارسی‌زبانان جهان با نگاهی انتقادی به منابع و مآخذ آسیای میانه و ایران است.

۲-۱. پیشینهٔ تحقیق

تذکره‌های فارسی تألیف شده در نیمهٔ دوم قرن سیزدهم و نیمهٔ نخست قرن چهاردهم هجری قمری/ نیمهٔ دوم قرن نوزدهم و نیمهٔ نخست قرن بیستم میلادی در محیط ادبی بخارا دربارهٔ دیگر محیطهای ادبی ماوراءالنّهر، بویژه محیط ادبی سمرقند، جز در موارد نادر سکوت اختیار کرده‌اند. دربارهٔ زندگی و شعر هادی سمرقندی نیز این شیوه کاملاً مشهود است. در بین شش تذکرهٔ مهم مؤلّف در سالهای یاد شده در بخارا، از جمله تذکرهٔ **تحفةالاحباب** قاری رحمت‌الله واضح (ف ۱۳۱۱ق/ ۱۸۹۴م)، مؤلّف به سال ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م؛ **تذکرةالشّعرای عبدی،** تألیف عبدالله خواجه عبدی (ف ۱۹۲۲م)، مؤلّف به سال ۱۳۲۲ق/۱۹۰۴م؛ **افضل‌التّذکار،** تألیف افضل محذوم پیرمستی (ف ۱۹۱۵م)، مؤلّف به سال ۱۳۲۲ق/۱۹۰۴م؛ **تذکره‌الشّعرای حشمت،** تألیف محمّدصدّیق **خان حشمت** (فوت بعد از۱۳۴۱ق)، مؤلّف در نیمهٔ اوّل قرن چهاردهم قمری/ نیمهٔ دوم قرن نوزدهم میلادی؛ **تذکرةالشّعرای محترم،** تألیف حاجی نعمت‌الله محترم (ف ۱۹۲۲م)، مؤلّف به سال (۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۸م) و **تذکره‌الشّعراء منظومه،** تألیف صدرضیا (ف ۱۹۳۲م)، مؤلّف در بین سالهای۱۹۰۵- ۱۹۰۷م، هیچ اشاره‌ای در مورد هادی سمرقندی دیده نمی‌شود *(ر.ک: هادی‌زاده، ۱۹۸۸: ۱۹- ۵۸)*. مؤلّف مدخل هادی سمرقندی در **دانشنامهٔ ادب فارسی** در بخش منابع خود، به جلد دوم **فهرست نسخه‌های خطّی فارسی انستیتوی آثار خطّی تاجیکستان،** صفحات ۴۲، ۴۴، ۶۲ و ۶۶ ارجاع داده است. با مراجعه به کتاب یاد شده مشخّص شد که در بیاضهای شمارهٔ ۶۷۵، ۱۳۲۱، ۱۴۲۴ و ۱/ ۱۳۷۶ مخزن این انستیتو، اشعار شاعری با تخلّص هادی در کنار سایر شاعران جمع‌آوری شده است. با توجّه به نام شاعران مجموعه‌ها، احتمال قطع به یقین این اشعار و این هادی، هیچ ارتباطی به هادی سمرقندی ندارد. محتمل است که اشعار یاد شده، متعلّق به شاعری از سدهٔ دهم قمری به نام هادی باشد *(ر.ک: انوشه، ۱۳۸۰: ۱/ ۹۷۲)*.

www.SID.ir

Archive of SID

نخستین شرح حال کوتاه؛ امّا بسیار دقیق شاعر در سال ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م، درست ۲۲ سال پس از مرگ از جانب فرزندش، فخرالدّین راجی (۱۸۸۰-۱۹۳۷م) در صفحات پایانی دیوانی که به همت وی چاپ شده است، دیده می‌شود *(ر.ک: هادی سمرقندی، ۱۳۳۱: ۱۹۱- ۱۹۲)*.

صدرالدّین عینی در سال ۱۹۲۵م به هنگام تألیف **نمونهٔ ادبیّات تاجیک** با در اختیار داشتن نسخه‌ای از دیوان یاد شده که خود در مآخذ قسم دوم کتاب نامبرده از آن با شمارهٔ ۲۴ خبر داده است *(۶۲۴)*، ضمن انتخاب نه غزل (جمعاً ۵۴ بیت) از دیوان میرزا هادی و نیز به احتمال زیاد کسب اطلاّعات از فخرالدّین راجی، و سایر آشنایان شاعر، اطّلاعات دیگری نیز به آن افزوده است *(۵۰۹- ۵۱۵)*.

از منابع متأخّر تألیف شده در ماوراءالنّهر، چهار اثر **سخنوران صیقل روی زمین،** تألیف تورەقُل ذهنی و صدرالدین سعدی‌اف، مؤلّف به سال ۱۹۷۳م؛ **دایرةالمعارف شوروی تاجیک** *(ج۸)* به سرویراستاری محمّد عاصمی، مؤلّف به سال ۱۹۸۸م؛ **گنج پریشان،** تألیف امیربیگ حبیب‌اف، مؤلّف به سال ۱۹۹۱م و **دایره‌المعارف ادبیّات و صنعت تاجیک** *(ج۳)* به سرویراستاری قربانف، تألیف شده به سال ۲۰۰۴م دربارهٔ هادی سمرقندی مطالبی ذکر کرده‌اند. از آنجا که از چهار منبـع یاد شده، مؤلّفان مدخل **دایره‌المعارفهای شوروی و ادبیّات و صنعت تاجیک،** فقط از کتاب سخنوران صیقل روی زمین استفاده کرده‌اند، ما فقط به نقد این کتاب- و در ادامه، کتاب **گنج پریشان**- بسـنده می‌کنیم. بدیهی است نقدهای کتاب **سخنوران صیقل روی زمین،** بر **دایره‌المعارف‌های شوروی و ادبیّات و صنعت تاجیک،** و هر کتاب دیگری که از این مأخذ سود جسته باشد؛ وارد خواهد بود.

مؤلّفان **سخنوران صیقل روی زمین** در صفحات ۲۱۵- ۲۱۷ این کتاب، شرح حال مختصری را از هادی سمرقندی به همراه دو غزل از وی (جمعاً ۱۲ بیت) با چند اشتباه تایپی در ضبط اشعار و دو اشتباه فاحش در زندگی‌نامهٔ او آورده و بدین ترتیب مایهٔ اشتباه بسیاری دیگر از مؤلّفان بعد از خود در ایران، تاجیکستان و ازبکستان شده‌اند: یکی اینکه نام شاعر را به اشتباه، نورالدّین نوشته‌اند. این نام در هیچ منبع دیگری- جز از سوی مؤلّفان د**انشنامهٔ زبان و ادبیّات فارسی ازبکستان** *(۵۸۰)*- تکرار نشده است. جالب اینجاست که مؤلّفان کتاب یاد شده، چند سطر پایین‌تر در

www.SID.ir

Archive of SID

همین صفحه، به نقل از عینی در **نمونهٔ ادبیّات تاجیک** *(۱۲۵)*، نام شاعر را نذرالدّین نوشته‌اند. دیگر اینکه سال فوت شاعر را در سال ۱۳۳۹ق مطابق با ۲۱- ۱۹۲۰م قید کرده‌اند. مؤلفان این اثر به رغم ذکر دقیق سال وفات هادی سمرقندی در **نمونهٔ ادبیّات تاجیک،** بدون هیچ دلیلی آن را از سال ۱۳۰۹ق به ۱۳۳۹ق؛ یعنی سی سال بعد از فوت شاعر تغییر داده‌اند. این تذکره علاوه بر چند اشتباه پیش گفته و تکرار اشتباهات عینی، در سه موضوع «شیوهٔ جمع‌آوری **دیوان، نظم انوار سهیلی** به ترکی و تعداد ابیات **دیوان**» هیچ مطلب تازه‌ای دربارهٔ شاعر ندارد.

کتاب دیگری که در قرن بیستم به شرح حال و ذکر نمونه‌ای از اشعار هادی سمرقند پرداخته، تذکرهٔ **گنج پریشان،** تألیف امیربیگ حبیب‌اف است. این کتاب دقیقاً اطّلاعات عینی را با اندکی تغییر در جمله‌بندی رونویسی و پنج غزل (جمعاً ۳۱ بیت) از اشعار شاعر را از کتاب یاد شده نقل کرده است. این کتاب نیز همان اشکالات **نمونهٔ ادبیّات تاجیک** را دارد، جز آن که در آن، سال تولّد و فوت شاعر به هر دو سال قمری و میلادی ثبت شده است؛ امّا این اثر، اشتباه **سخنوران صیقل روی زمین** را تکرار نکرده و سال فوت شاعر را همان گونه که عینی ضبط کرده، سال ۱۳۰۹ق [مطابق با ۱۸۹۱م] نوشته است *(ر.ک: حبیب‌اف، ۱۹۹۱: ۵۲۳- ۵۲۵)*.

نخستین مأخذ موجود در ایران که دربارهٔ میرزاهادی سمرقندی اطّلاعاتی را ثبت کرده، **دانشنامهٔ ادب فارسی** در آسیای میانه به سرپرستی حسن انوشه است. بابک آتشین، مؤلّف این مدخل عیناً اطّلاعات **نمونهٔ ادبیّات تاجیک** و **سخنوران صیقل روی زمین** را با نثری ویرایش شده، نقل کرده؛ بنابراین اشتباهات دو کتاب یاد شده به این کتاب نیز راه یافته است. در بخش سال فوت شاعر، این مؤلّف، هم سال ۱۸۹۲م و هم سال۱۹۲۰م را ذکر کرده که ذکر سال ۱۹۲۰ کاملاً خطاست و باید سال تولّد و فوت شاعر در ویراست بعدی به صورت ۱۲۴۶- ۱۳۰۹ق/۱۸۳۰- ۱۸۹۱م اصلاح شود *(ر.ک: **انوشه،** ۱۳۸۰: ۹۷۲/۱)*. در سال۱۳۸۴تذکرهٔ **از ساقه تا صدر**: تذکرهٔ شعرای قرن بیستم تاجیکستان تألیف دکترسیّد علی موسوی گرمارودی *(۱۳۷- ۱۳۸)* و در سال ۱۳۸۵ **دانشنامهٔ زبان و ادبیّات فارسی ازبکستان** (قرن بیستم تاکنون) به سرپرستی دکتر عباسعلی وفایی *(۵۸۰-۵۸۱)* و **نمونهٔ ادبیّات تاجیک** تألیف عینی به کوشش دکتر علی رواقی *(۲۶۱-۲۶۴)* در ایران به چاپ رسید. دو اثرِ نخست از سه اثرِ یاد شده،

www.SID.ir

Archive of SID

اشتباهات مؤلّفان **سخنوران صیقل روی زمین** را در بارهٔ سال فوت شاعر تکرار کرده‌اند. هیچ کدام از منابع یاد شده در ایران، تاجیکستان و ازبکستان در بارهٔ واعظ قزوینی (ف۱۰۸۸ق) و اینکه ۷۷ درصد غزلهای چاپ شده در دیوان میرزا هادی، با تخلص«هادی» از دیوان این شاعر ایرانی است، سخنی به میان نیاورده‌اند؛ بنابراین آنچه با موضوع هادی سمرقندی و واعظ قزوینی آمده است، نخستین بار است که از جانب نگارنده مطرح می‌شود.

۲. زندگی‌نامهٔ هادی سمرقندی

وقتی فخرالدّین راجی در سال ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م با جمع‌آوری اشعار به جا مانده از میان دست‌نویس‌های پدر، مجموعه اشعار او را با نام «**دیوان میرزا هادی**» آمادهٔ چاپ می‌کرد، در صفحات پایانی این دیوان پس از ذکر اطّلاعات مختصری در باب پدر، نوید داده بود که بزودی رساله‌ای مستقل دربارهٔ او و آبا و اجدادش بنویسد: «... از احوالات تاریخی آبائی، در آینده مثل یک رساله نوشته، یادگار خواهم گذاشت» *(۱۹۱)*؛ امّا فتنه‌ها و آشوبهای قرن بیستم ماوراءالنّهر که با وقوع انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷م همه چیز را در این مرز و بوم دگرگون ساخت؛ مجال چنین فرصتی به فخرالدّین راجی نداد. اطّلاعات اندک ما دربارهٔ میرزا هادی هم منحصر است به سه منبع «**دیوان میرزاهادی؛** اطّلاعات راجی دربارهٔ پدر در صفحات پایانی دیوان یاد شده، و **نمونهٔ ادبیّات تاجیک** صدرالدین عینی». منابع متأخّر هم نه تنها گرهی از زندگی هادی سمرقندی نگشوده‌اند؛ بلکه اشتباهات فاحشی دربارهٔ او نقل کرده‌اند.

۲-۱. نام و نسب

نام شاعر نذرالدّین فرزند باباجان است و آبا و اجدادش به سه پشت به ترتیب از عبدالسّلام، عبدالرّحمان و عالم شیخ، به ولی شیخ بخاری منسوب‌اند. تخلّص شاعر که ما آن را در بیت پایانی تمام غزلیّات دیوان او- و بندرت در ابیات آغازین غزلها هم- مشاهده می‌کنیم، هادی است. در اغلب منابع با اضافه شدن کلمهٔ میرزا به ابتدای اسم شاعر، و سمرقندی به آخر آن، از او با نام میرزاهادی سمرقندی یاد شده است *(ر.ک: هادی سمرقندی، ۱۳۳۱: ۱۹۱؛ عینی، ۱۹۲۶: ۵۱۴؛ ذهنی، و سعدی‌اف، ۱۹۷۳: ۲۱۵؛ حبیب‌اف، ۱۹۹۱: ۵۲۳؛ انوشه، ۱۳۸۰: ۶۷۲/۱؛ موسوی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۱۳۷-۱۳۸)*.

www.SID.ir

Archive of SID

۲-۲. تولّد، زادگاه و فوت

تولّد شاعر به سال ۱۲۴۶ق برابر با ۱۸۳۰م در شهر سمرقند رخ داده است. نخستین بار صدرالدّین عینی در **نمونهٔ ادبیّات تاجیک** به این تاریخ اشاره کرده است. راجی، فرزند شاعر، در همان مختصر اطّلاعات صفحات پایانی دیوان هم، در این مورد سکوت اختیار کرده است. دربارهٔ سال فوت شاعر به رغم نصِّ صریح فرزند شاعر در **دیوان میرزا هادی** *(۱۹۱)* و عینی در **نمونهٔ ادبیّات تاجیک** *(۵۰۹)*، نویسندگان **سخنوران صیقل روی زمین** *(۲۱۵)* دچار اشتباه شده‌اند- و به تبع آن تمام منابعی که به **سخنـوران صیقل روی زمین** استناد کرده، یا در آینده استناد کنند نیز به همین خطا گرفتار خواهند شد. بر این اساس، سال فوت شاعر ۱۳۰۹ق مطابق با ۱۸۹۱ یا ۱۸۹۲ میلادی در شهر سمرقند است، نه ۱۳۳۹ق/۲۱- ۱۹۲۰م.

۲-۳. تحصیلات

هادی سمرقندی بنابر آنچه در مآخذ آمده است، سالهای مکتب را در سمرقند گذرانده؛ امّا آوازهٔ مدارس شهر آبا و اجدادی‌اش، بخارا- که در آن سالها دویست مدرسه داشت- او را به مرکز امارت کشانده است *(ر.ک: عینی، ۱۹۲۶: ۵۱۴؛ فطرت، ۱۳۳۰: ۲۴)*. به غیر از تحصیل، هادی سمرقندی در این سالها بخوبی در خوش‌نویسی- چه در نزد استادان خوش‌نویس بخارا و چه به شکل خودآموز- مهارتی کسب کرده بود؛ آن گونه که پس از بازگشت از بخارا به شهر زادگاهش، سمرقند، به آموزش و تربیت جوانـان همّت گمـارده بود و در این راه زنان نیـز از مکتـب او بهره‌ها برده‌اند: «... در تعلیم‌گاهش، طایفهٔ زنان هم به قطارِ مردان، خط و سواد آموخته‌اند. بعضی از زنان خوش‌نویس حالا هم در قید حیات‌اند، می‌گویند.» *(عینی، ۱۹۲۶: ۵۱۴)*

۲-۴. ازدواج و فرزندان

به رغم ویژگیهای اخلاقی هادی سمرقندی که از او مـردی عزلـت‌پیـشه و گوشـه‌نـشین ساخته بود و ما بروشنی این حالات را در آیینهٔ غزلیّاتش مـی‌بینـیم، ایـن ویژگیهـا او را مانند برخی از این طایفه، به کلّی تارک دنیا نکرده بود. حاصل ازدواج شاعر- آن گونه که در شرح حال کوتاه وی در دیوانش آمده- فرزندانی بوده است کـه دو پـسر بـا نامهـای میرزا زین‌الدّین و فخرالدّین با تخلّص راجی، دیده می‌شـود *(ر.ک: دیـوان میـرزا هـادی،*

www.SID.ir

Archive of SID

۱۹۱). از فرزند اخیر که به شغل نویسندگی، معلّمی و ناشری در سمرقند نیمهٔ نخست قرن بیستم روزگار می‌گذرانده، اشعاری نیز به یادگار مانده است که ما نزدیک به یکصد بیت از این اشعار را در انتهای دیوان میرزا هادی سمرقندی مشاهده می‌کنیم *(ر.ک: هادی سمرقندی، ۱۳۳۱: ۱۸۲- ۱۹۰؛ انوشه، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۳۳)*.

۵-۲. شغل

همان گونه که از پیشوند نام شاعر برمی‌آید و منابع نیز تأکید می‌کنند، میرزا هادی پس از کسب کمال و احتمالاً ختم علوم رسمی در مدارس بخارا، حدود چهار سال به سِمَت منشیگری در دربار امیران بخارا اشتغال داشته است. با توجّه به سال تولّد شاعر، ایّام تحصیل وی در سمرقند و بخارا و سالهای امارت امیرمظفّر منغیتی؛ این زمان نمی‌تواند از سالهای ۱۲۷۷- ۱۳۰۳ق تجاوز کند *(ر.ک: باسورث، ۱۳۸۱: ۵۵۳- ۵۵۴)*. عینی هم در شرح حال میرزا هادی، با قید «در اوایل حال» این مطلب را تأیید کرده است: «در اوایل حال، به دربار امیر مظفّر چهار سال به خدمت نویسندگی اشتغال ورزیده، بعد از آن استعفا داده و عزلت اختیار کرده [است]...» *(عینی، ۱۹۲۶: ۵۱۴)*.

تصویرسازی با اصطلاحات دیوانی، لوازم نویسندگی و خوش‌نویسی و اشارات کوتاه به مسائل امارت و رابطهٔ شاه و رعیت، مندرج در برخی از غزلیّات شاعر، یادآور این ایّام تواند بود:

ز جیب خواری و زاری، طلب کن بستر راحت
ز تخت سلطنت کی جاه یابی، بلکه جاه آنجا؟ (۴)

کجروان را چرخ کجرو می‌کند همدم به خود
کرد فرزین، همنشین خویش دایم شاه را (۵۵)

ز راه راست رفتن، چاره نبود نکته‌سنجان را
قلم چون مایل خط گشت از مسطر نمی‌گردد (۱۶۴)

به هرحال، شاعر در سالهای میانین عمر خود به دلیل ویژگیهای اخلاقی و دوری از آشوبها و فتنه‌های دربار که با ذوق و سلیقهٔ لطیف شاعر همخوان نبود و احتمالاً با اخلاق فاسد دربار سر سازگاری نداشت؛ به سمرقند بازگشت و تا پایان عمر به تعلیم و تربیت فرزندان زادگاهش پرداخت.

www.SID.ir

Archive of SID

۶-۲. ماوراءالنّهر در روزگار هادی سمرقندی

دوران کودکی هادی سمرقندی مصادف با سالیان حکومت امیر نـصرالله (حـک. ۱۲۴۲-۱۲۷۷ق/۱۸۲۷- ۱۸۶۰م)، هفتمـین امیـر سلـسلهٔ منغیتهـا (۱۱۶۶- ۱۳۲۹ق/ ۱۷۳۵-۱۹۲۰م)، در بخارا بود. ایّام تحصیل و اشتغال چهار سالهٔ این شاعر در بخـارا بـا سـالهای حکومت امیر مظفّـر (حـک. ۱۲۷۷- ۱۳۰۳ق/۱۸۶۰- ۱۸۸۶م) کـه از شـدّت قـساوت و خون‌ریزی به امیرقصّاب معروف بود، برابر است. شش سال پایانی عمر شاعر بـا سـالهای حکومت امیر عبدالاحد (حـک. ۱۳۰۳- ۱۳۲۸ق/۱۸۸۶- ۱۹۱۰م)، همزمـان بـود *(ر.ک: انوشه، ۱۳۸۰: ۱/ ۶۲۲- ۶۲۳؛ باسورث، ۱۳۸۱: ۵۵۳- ۵۵۴)*.

اوضاع فرهنگی و اجتماعی ماوراءالنّهر در این سـالها، هماننـد اوضـاع سیاسـی آن آشفته بود. احمد دانش بخارایی (ف۱۸۹۷م)در این باره نوشته است: «امیرمظفّر از جهان بگذشت و امیر عبدالاحد ولیعهد او به جایش بنشست و مردم روسیّه در بخارا و حواشـی آن مستولی شدند به طریق اعلان و آشکار... امیر اوّل اگرچه رواج و تجدید رقص و سماع و مطربی و مسخرگی کرد، امیر ثانی بازار سفاهت و بلاهت و بی‌خردی را گرم نموده، جز خورد و خواب، از صفحهٔ آفاق هیچ چیز را انتخاب نکرد. پدر اگرچه ناکسان را می‌نواخت، باری اشراف را نیم نانی می‌داد، پسر آن نیم نان را نیز قطع کرد» *(دانش، ۱۹۶۰: ۱۳۸)*.

۷-۲. معاصران هادی سمرقندی (شاعران و عالمان)

هادی سمرقندی ذاتاً انسانی عزلت‌پیشه و انزواطلب بوده و به دلیل روحیهٔ عزلت‌گرایانه و زندگی زاهدانه‌اش کمتر در محیطهای ادبی بخارا و سمرقند خودنمایی می‌کرده است؛ آن گونه که وقتی تصمیم گرفته پس از اتمام تحصیل در بخارا و بعد از چهار سال خدمت در دربار به زادگاهش برگردد؛ خود را برای یک زندگی کاملاً آرام و البتّه در گمنامی آماده کرده بود؛ ازکوچهٔ شهرت گریخته و بی‌نشانی را پاسبان حریم خلوتش کرده بود و عقیده داشت: آسایش دنیا برای جاهلان است و گردون به کام دونان در حال گردش:

بـه آسـایش رسـاند انقـلاب چـرخ، نـادان را
ز وضع جنبش گهواره، راحتهاسـت طفـلان را (۵۶)

به کام مرد، ایـن گـردون دون پـرور نمـی‌گـردد
به غیر از دست زن، چرخ آری، آری در نمی‌گردد(۱۶۴)

www.SID.ir

Archive of SID

برخلاف هادی سمرقندی، دو تن از شاعران معاصر شاعر در محیط ادبی سمرقند، در محیطهای ادبی بخارا، تاشکند و حتّی خجند شناخته شده بودند: عبدالکریم سپندی سمرقندی (۱۸۲۹- ۱۹۱۰م) و سیّداحمد وصلی سمرقندی (۱۸۷۰- ۱۹۲۵م) هر دو حضوری فعّال در محیطهای یاد شده داشتند و شرح زندگی و نمونهٔ اشعار آنها را می‌توان در تذکره‌ها، سفینه‌ها و بیاضهای اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مشاهده کرد. ظاهراً ارتباط خوب شاعران یاد شده با دربار و قصاید مدحی آنان در حقّ امیران بخارا، بویژه امیر عبدالاحد *(حک. ۱۸۸۶- ۱۹۱۰م)*- که خود شاعر بوده و با تخلّص «عاجز» شعر می‌سروده است- یکی از دلایل شهرت آنان در بخارا بوده است *(ر.ک: انوشه، ۱۳۸۰: ۱/ ۶۲۲- ۶۲۳)*.

این دو شاعر در دیوان هادی سمرقندی نیز حضور دارند؛ بدین ترتیب که هادی سمرقندی در مطلع یکی از غزلیّات خود، فقط سپندی را شایستهٔ پاسخ گفتن به غزل خود دانسته است. در دیوان سپندی غزلی با همین وزن، قافیه و ردیف وجود دارد که در اقتفای یکی از غزلیّات صائب تبریزی (۱۰۰۰- ۱۰۸۶ق؟) سروده شده است. گویا شاعر به این طریق به هادی سمرقندی پیام داده که او خود وامدار صائب تبریزی است:

صائب تبریزی:

به دست غیر چون بینم عنان طفل خودرایی

که وقت نی سواری می‌گرفتم من رکابش را (۱۸۸/۴)

مقطع سپندی:

سپندی! این جواب آن غزل باشد که صائب گفت

«که وقت نی‌سواری می‌گرفتم من رکابش را» (۴-۵)

مقطع غزل هادی:

به این طرز غزل، مضمون رنگین، معنی موزون

که خواهد جز سپندی گفت هادی! کس جوابش را(۱۹-۲۰)

از مقطع یک غزل هادی سمرقندی، چنین برمی‌آید که وی از سپندی سمرقندی دلِ خوشی نداشته، ظاهراً این رنجش از بی‌توجّهی سپندی به وی حاصل شده بوده است:

گرمی شعر تو آتش تا سپندی را نشد

در جوابش هیچ هادی! ناله‌ای زو برخاست(۱۰۷)

سیّد احمد وصلی نیز پس از مرگ هادی، به هنگام چاپ دیوان شاعر و ظاهراً در پاسخ به درخواست فرزندش، راجی- که آن سالها با شاعران سمرقندی بیشتر از پدر

www.SID.ir

Archive of SID

حشر و نشر داشت- قطعه‌ای چهار بیتی سروده و تاریخ چاپ دیوان را به شیوهٔ مرسوم، ماده تاریخ ساخته است *(۱۹۰)*.

نگارنده در دیوان خطّی سپندی سمرقندی و دیوان چاپ سنگی وصلی سمرقندی، اثری از هادی سمرقندی مشاهده نکرد؛ امّا پس از چاپ دیوان شاعر در سال ۱۹۱۳م، شرح حال و نمونهٔ اشعار شاعر در تمام تذکره‌ها و بیاضهای ماوراءالنّهر دیده می‌شود. این حضور حتّی در مجلات آزادیخواهان و روشنفکران دو دههٔ نخست قرن بیستم ماوراءالنّهر که به جدیدیّه شهرت داشتند، به روشنی دیده می‌شود. برای مثال، در هفته‌نامهٔ **آیینه** به سردبیری محمود خواجه بهبودی (۱۸۷۵- ۱۹۱۹م) که در سالهای ۱۹۱۳- ۱۹۱۵م در سمرقند به دو زبان فارسی و ازبکی به چاپ رسیده است، در شمارهٔ ۱۱ و ۱۲ ابیاتی از دیوان شاعر با سرلوحه‌ای از «**دیوان میرزا هادی**» *(شمارهٔ ۱۱، ۱۹۱۴م: ۲۸۴، دو بیت)* و از «**دیوان میرزا هادی افندی مرحوم**» *(شمارهٔ ۱۲، ۱۹۰۴م: ۲۸۹، ۷ بیت)* دیده می‌شود *(ر.ک: نورعلی‌اف، و دیگران، ۱۹۸۹: ۱۹- ۲۰؛ عبدعزیزاوا، ۲۰۰۲: ۲۳- ۲۴)*. با تأسّف این اشعار، غالباً اشعاری است که از **دیوان** واعظ به **دیوان** میرزا هادی راه یافته و از آن طریق به نشریات آن دوره منتقل شده است.

علاوه بر دو شاعر یاد شده، میرزا هادی سمرقندی به اقتفای غزل یکی از شاعران منطقهٔ «حصار» که امروزه جزو جمهوری تاجیکستان به شمار می‌رود، غزلی سروده است. از آنجا که نام و یا تخلّص شاعر در غزل نیامده، یافتن اطّلاعات دقیقتری دربارهٔ شاعر مشکل است:

گر نه ارزد [نیرزد] با خسی هادی، ولی زد این غزل

شد جواب شعر آن کو از حصار آمد برون(۱۷۶)

۸-۲. تأثیر از پیشینیان

هر متن و سخنی به عمد یا غیرعمد، آگاهانه یا ناآگاه با متنها و سخنهای پیش از خود که موضوع مشترکی دارند، در ارتباط است *(ر.ک: **احمدی**، ۱۳۷۸: ۹۳)*. به طور مشخّص در دیوان میرزا هادی سمرقندی، تأثیر مستقیم حافظ شیرازی (ف ۷۹۲/۷۹۳ق)؛ صائب تبریزی (ف۱۰۸۷/ ۱۰۸۶ق) و بیدل دهلوی (ف۱۱۳۳ق) به چشم می‌خورد. هرچند هادی سمرقندی یک غزل از حافظ و دو غزل از بیدل را با تضمین مصراعی از آنها و در حال و هوای سبکهای عراقی و هندی پاسخ گفته و در مقابل، حتّی یک بار هم نام صائب تبریزی را مستقیماً در دیوان خود نیاورده است، به نظرم سبک هادی سمرقندی،

www.SID.ir

Archive of SID

بویژه در تمثیلات و اسلوب معادله‌هایش، و در ارسال المثل‌هایش به سبک صائب تبریزی شبیه است و اگر بخواهیم از برخی از ویژگیهای انگشت شمار شعر بیدل از قبیل وزن، قافیه و ردیف، مضامین بیدلانه و سبک ویژهٔ بیدل که در دیوان هادی سمرقندی دیده می‌شود، صرف نظر کنیم؛ سبک هادی سمرقندی کمتر شباهتی به شعر بیدل دارد و یا اصلاً شاعر نخواسته و یا- مهمتر از آن- نتوانسته از عهدهٔ این تقلید پیچیده و شاید ناممکن برآید؛ در عوض تمام هنر خود را در جهت نزدیک کردن شیوهٔ خود به سبک صائب تبریزی- که در این سالها در کنار بیدل در ماوراءالنّهر طرفدارانی داشت- به کار برده است. گویی هادی سمرقندی در پذیرش شیوهٔ غزل‌سرایی صائب تبریزی به دیگر شاعر ماوراءالنّهری، سیّدای نَسَفی (ف۱۷۱۱/۱۷۰۷م؟) نظر داشت که شیفتهٔ صائب بود و ۳۱ مخمّس از ۷۴ مخمّس خود را بر وزن غزلهای صائب سروده بود و در مقابل حتّی یک بار هم هوس نظیره‌پردازی و مخمّس‌سازی بر غزلیّات بیدل را در سر نپرورانده بود *(ر.ک: **سیّدای نسفی**، ۱۹۹۰: ۱۱۰- ۱۷۰)*. صدرالدّین عینی در اثر خود، **یادداشتها**، دربارهٔ علاقهٔ پدرش به صائب نوشته است: «پدرم صائب اصفهانی را بسیار دوست می‌داشت. شعرهای او را، چنان که بچگان نبات را مکیده، مزه‌کنان می‌خورده باشند، لذّت گرفته می‌خواند و از روی احترام او را «بابا صائب» می‌گفت» *(۸۶)*.

بیت مطلع غزل حافظ:

ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما!

آب روی خوبی از چاه زنخدان شما(۱۸)

بیت مقطع غزل هادی:

این جواب آن عزل هادی که حافظ گفته است

«ای فروغ حسن ماه از روی رخشان شما»(۱۸۱)

بیت مطلع غزل بیدل:

به اوج کبریا کز پهلوی عجز است راه آنجا

سر مویی گر اینجا خم شوی، بشکن کلاه آنجا(۱)

بیت مقطع غزل هادی:

مرا از بحر بیدل، هادیا! این جرعه بس باشد

«به اوج کبریا کز پهلوی عجز است راه آنجا»(۴)

www.SID.ir

Archive of SID

مطلع و مقطع غزل هادی و تضمین مصراع بیدل:

دلا! از صدق چون در کوی جانـان آشـنا گـشتی

شهنـشاه [و] امیـر ملکـت دارالبقـا گـشتی....

خوش این مصرع که بیدل گفت در دیوان خود، هادی!

«چرا، ای دل! به داغ بی‌تمیزی مبـتلا گـشتی»(۱۷۲)

تا زمان نگارش مقاله- تا آنجا که نگارنده می‌داند- هیچ محقق و پژوهـشگری در بـارهٔ تأثیرپذیری هادی سمرقندی از واعظ قزوینی و چاپ بیش از ۲۶۲غزل از دیوان این شاعر با تغییر تخلص «واعظ» به «هادی» در دیوان میرزا هادی، سخنی به میان نیاورده است.

شواهد و قراین نشان می‌دهد شخصِ هادی سمرقندی به احتمال زیـاد بـا دیـوان واعظ قزوینی آشنایی نداشته است و ما نیز هیچ مدرکی اختصاصی، دالّ بـر ایـن امـر از زندگی و اشعار باقی مانده از شاعر در دست نداریم. اصولاً بر خلاف بیدل و صائب که در ماوراءالنّهر آن روزگار شهرتی افسانه‌ای داشـتند، واعـظ قزوینـی هـیچ شـهرتی در ایـن منطقه نداشت و همین مسأله، زمینهٔ سرقت اشعار او را فراهم کرده بـود. در فهرسـتهای چاپ شده در ماوراءالنّهر نیز، هیچ نشانی از دیوان واعظ به چشم نمی‌خورد. ایـن نظریّـه که فخرالدّین راجی، فرزند شاعر، خواسته باشد با این کار نـام پـدر و در نتیجـه خـود و خاندانش را در سمرقند آن روزها صاحب اعتبار جلوه دهد، امری کاملاً پذیرفتنی اسـت. وی با استفاده از گمنامی واعظ قزوینی در محیط ادبی ماوراءالنّهر و با بـه دسـت آوردن نسخه‌ای از دیوان وی، و سپس تلفیق ۲۶۲غزل از آن بـا ۷۸ غـزل بـاقی مانـده از پـدر، دیوانی به نام «دیوان میرزا هادی» در سال ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م در سمرقند به چاپ سـپرد و با امحای اصل دیوان واعظ، تقریباً برای مدتّی نزدیک به یک قرن به اهداف خود دست یافت. وی با این کار، در طول نزدیک به یک قرن پژوهشگران و محققـان بـسیاری را در ازبکستان، تاجیکستان و ایران به خطا انداخت؛ حتّی عالم بزرگی همچون وصلی سمرقندی، وقتی برای چاپ دیوان شاعر شعر سرود، پی به این سرقت نبرد تا چه رسـد بـه صـدرالدّین عینی که با سرعت تمام سعی داشت در زمانی محدود تذکرهٔ **نمونهٔ ادبیّات تاجیـک** را در سال ۱۹۲۵م تدوین و چاپ کند و به همین دلیل او نیز مانند دیگران به خطا افتاد و همین گونه خود مایهٔ خطاهای دیگران در طول قرن بیستم در بارهٔ این دیوان و هویت واقعی اشعار چاپ شده در آن شد؛ خطایی که هنوز هم ادامه دارد.

از مقایسه و بررسی دیوان میرزا هادی سمرقندی و واعظ نتایج زیر مستفاد می‌شود:

www.SID.ir

Archive of SID

۱. راجی نسخه‌ای از نسخه‌های دیوان واعظ را که احتمال قطع به یقین، از روی نسخهٔ شمارهٔ ۲۷۱۵ کتابت شده بوده است و در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، در اختیار داشته است. مرحوم استاد دکترسادات ناصری نیز در تصحیح دیوان واعظ این نسخه را اساس کار خود قرار داده است *(ر.ک: واعظ قزوینی،۱۳۵۹: مقدّمه۴)*.

۲. راجی با انتخاب ۲۶۲ غزل از دیوان واعظ و تغییر تخلّص آنها از «واعظ» به «هادی» و کاستن ابیاتی از اصل نسخه در برخی غزلها و به طور استثنایی در یکی دو مورد، افزودن بیتی از خود بدان، و در نهایت جابه‌جا کردن جای غزلها، دیوان منسوب به پدر را به چاپ سپرده است. ما در پیوستی که برای چاپ این دیوان آماده کرده‌ایم، مطلع تمام غزلهای چاپ شدهٔ واعظ را در دیوان هادی ثبت کرده‌ایم؛ بنابراین برای جلوگیری از افزایش حجم این مقاله از ذکر آن در اینجا خودداری کردیم.

۳. رسم‌الخطِّ غزلهای چاپ شدهٔ واعظ در دیوان هادی و برخی از نظام آوایی آنها، مطابق با شیوهٔ ماوراءالنّهر درآمده است. در بارهٔ نظام آوایی باید به مواردی از قبیل افزایش و تغییر واجی مانند کشاد به جای گشاد، بوبین به جای ببین، و هیج به جای هیچ و نمونه‌های مشابه دیگر اشاره کرد.

۴. هرچند بدخوانیها و اغلاطِ فاحش فراوانی در ثبت غزلهای واعظ در دیوان هادی به چشم می‌خورد؛ استفاده از نسخه‌ای از دیوان هادی در چاپ و تصحیح جدید دیوان واعظ خالی از فایده نیست.

۵. نگارنده تا زمان پیدا شدن سندی دالّ بر وجود غزلهایی از شاعران دیگر در دیوان هادی، تمام ۷۸ غزل موجود در دیوان میرزا هادی را متعلّق به هادی سمرقندی می‌داند؛ اگر چه با وجود تردید در انتساب برخی از غزلیّات به هادی، هیچ سندی مبنی بر تعلّق غزل به شاعر دیگری به دست نیاورده است.

۹-۲. آثار هادی سمرقندی

تنها اثر باقی مانده از هادی سمرقندی، دیوان این شاعر است که در سال ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م از جانب فرزندش فخرالدّین راجی، از روی دست‌نویسهای پدر جمع‌آوری و کتابت شده، و در همان سال در سمرقند به شیوهٔ چاپ سنگی در ۱۹۱ صفحه به همراه نزدیک به یکصد بیت از اشعار راجی، منتشر شده است. اصل دیوان که احتمالاً بسیار بیشتر از این دیوان بوده، متأسّفانه همانند دو اثر دیگر شاعر مفقود شده

www.SID.ir

Archive of SID

است. این دو اثر، نظم فارسی و ترکی *انوار* سهیلی تألیف ملاحسین واعظ کاشفی (ف ۹۱۰ق) بوده است *(ر.ک: هادی سمرقندی، ۱۳۳۱: ۱۹۰- ۱۹۲)*.

دربارهٔ نظم ترکی انوار سهیلی که گویا میرزا هادی موفّق به اتمام آن نشده و این که راجی دیوان پدرش را از مسوّده‌های موجود در دست مردم جمع‌آوری کرده است، اطّلاعات متضادی از سوی عینی با آنچه که در دیوان میرزا هادی از جانب راجی نوشته شده است، دیده می‌شود. بر اساس آنچه در دیوان میرزا هادی آمده، هادی منظومهٔ ترکی و فارسی انوار سهیلی را به اتمام رسانده بوده؛ ولی بنابر نقل عینی، شاعر پیش از اتمام نظم انوار سهیلی، وفات کرده است *(ر.ک: همان، ۱۹۱- ۱۹۲؛ عینی، ۱۹۲۶: ۵۱۴- ۵۱۵)*. علاوه بر تفاوت در دو موضوع شیوهٔ جمع‌آوری دیوان و منظومهٔ ترکی انوار سهیلی، عینی دربارهٔ تعداد ابیات دیوان هم اطلاّعاتی آورده که با واقعیت ناسازگار است.

۳. نقد و بررسی دیوان میرزا هادی

هادی سمرقندی شاعر غزل است. در دیوانی که به نام وی چاپ شده است، ۳۴۰ غزل با ۲۳۶۸ بیت شعر دیده می‌شود. این غزلها در صفحات ۲ الی ۱۸۱ دیوان در ۱۹ حرف الفبای فارسی که در موارد متعدّدی ترتیب الفبایی آنها رعایت نشده، به چاپ رسیده است. در جدول زیر کلِّ ابیات دیوان میرزا هادی به تفکیک اشعار هادی سمرقندی و واعظ قزوینی نشان داده شده است:

میانگین ابیات غزلها حدوداً هفت بیت است. یک غزل ناتمام سه بیتی بدون تخلص نیز در دیوان آمده است. طولانی‌ترین غزل، غزلی است با پانزده بیت که در قافیه «ن» سروده شده است *(۱۷۴-۱۷۵)*. ابیات اغلب غزلها فرد است؛ امّا غزلهای زوج هم در دیوان دیده می‌شود. تخلّص شاعر در بیت پایانی غزلهاست؛ امّا در دو غزل، تخلّص شاعر علاوه بر بیت پایانی، در بیت ماقبل مقطع هم تکرار شده است *(۲۰، ۶۰)*. جاافتادگیها و اغلاط تحریری زیادی هم در این دیوان وجود دارد که اغلب آنها قابل اصلاح است، ولی برخی دیگر به دلیل از بین رفتن اصل نسخه، به نظر نمی‌رسد قابل اصلاح باشد *(۶، ۷، ۱۲، ۱۵، ۴۱، ۴۲ و...)*. در این دیوان یک غزل ازبکی نیز در قافیهٔ «هـ» با هفت بیت دیده می‌شود *(۱۷۹- ۱۸۰)*.

www.SID.ir

Archive of SID

ردیف	قافیه	کل غزلهای دیوان میرزا هادی	کل ابیات دیوان میرزا هادی	غزلهای هادی سمرقندی	ابیات هادی سمرقندی	غزلهای واعظ قزوینی	ابیات واعظ قزوینی
۱	الف	۱۰۶	۷۳۸	۳۱	۲۱۹	۷۵	۵۱۹
۲	ب	۹	۶۳	۴	۲۹	۵	۳۴
۳	ت	۸۵	۶۱۰	۳	۲۱	۸۲	۵۸۹
۴	ث	۳	۲۸	۱	۷	۲	۲۱
۵	ج	۴	۲۵	–	–	۴	۲۵
۶	چ	۴	۲۰	۱	۳	۳	۲۲
۷	ح	۱	۱۷	–	–	۱	۱۷
۸	خ	۳	۳۱	–	–	۳	۳۱
۹	د	۱۰۴	۶۷۱	۱۷	۱۲۰	۸۷	۵۵۱
۱۰	ر	۱	۷	۱	۷	–	–
۱۱	س	۱	۹	۱	۹	–	–
۱۲	ش	۱	۷	۱	۷	–	–
۱۳	ع	۲	۱۵	۲	۱۵	–	–
۱۴	ف	۱	۸	۱	۸	–	–
۱۵	م	۴	۳۰	۴	۳۰	–	–
۱۶	ن	۴	۳۸	۴	۳۸	–	–
۱۷	و	۱	۷	۱	۷	–	–
۱۸	هـ	۲	۱۶	۲	۱۶	–	–
۱۹	ی	۴	۲۸	۴	۲۸	–	–
جمع کل		۳۴۰	۲۳۶۸	۷۸	۵۶۵	۲۶۲	۱۸۰۳

۱-۳. نقد صورت

به دلیل ماهیت ذاتی شعر و پیوند آن با ذوق و سلیقهٔ آدمی که به اندازهٔ گسترهٔ تخیل آسمانْپروازش، وسیع و گسترده است؛ انتظار تعریف دقیقی از شعر که بتواند خاتمِ تعاریف باشد؛ کاری عبث است. با این حال عموم منتقدان نقش «زبان آهنگین» را در شکل‌دهی به شعر و تمایز آن از نثر، نقشی بارز دانسته‌اند. مصداق این زبان آهنگین در شعر کلاسیک، غالباً زیر عنوانهای «وزن و قافیه» نقد و بررسی می‌شود *(ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۷۷: پانزده- بیست و هشت؛ شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۷- ۱۰؛ پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۳۶)*. ما در ادامهٔ بحث، دیوان غزلیّات هادی را ذیل چهار عنوان وزن، قافیه و ردیف، زبان شعر و غزل هادیانه (هنر شاعری هادی) بررسی می‌کنیم:

www.SID.ir

Archive of SID

۱-۱-۳. وزن[۱]

وزن غزلیّات هادی سمرقندی از تنوّع چشمگیری برخوردار نیست. گو اینکه نسخهٔ اصل سبک هادی؛ یعنی سبک هندی و بویژه سبک صائب تبریزی هم این گونه است. در جدول زیر وزنهای به کار رفته در دیوان شاعر نشان داده شده است:

ردیف	نام بحر	تعداد غزل
۱	هزج مثمن سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن)	۴۰
۲	هزج مثمن اخرب مکفوف محذوف (مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن)	۲
۳	هزج مسدس محذوف (مفاعیلن مفاعیلن فعولن)	۱
۴	رمل مثمن مقصور (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلان)	۵
۵	رمل مثمن محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)	۱۵
۶	رمل مثمن مشکول (فعلات فاعلاتن فعلات فاعلان)	۲
۷	مضارع مثمن اخرب مکفوف محذوف (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن)	۳
۸	مضارع مثمن اخرب (مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن)	۲
۹	مجتث مثمن مخبون (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن)	۲
۱۰	مجتث مثمن مخبون محذوف (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن)	۳
۱۱	منسرح مثمن مطوی موقوف یا مکشوف (مفتعلن فاعلات مفتعلن فاعلات)	۱
۱۲	رجز مثمن سالم (مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن)	۱
	جمع کل	۷۷

مقایسهٔ این بحرها با بحرهای دیوان صائب، بیدل و حافظ نتایج جالب توجّهی پیش روی خواننده قرار می‌دهد. برای مثال، حافظ در قافیهٔ «ت» که جمعاً ۸۱ غزل دارد، به ترتیب از وزنهای رمل: ۲۹ غزل؛ مجتث: ۲۴ غزل؛ مضارع: ۱۵ غزل؛ هزج: ۱۱ غزل؛ و خفیف: ۲ غزل سود جسته است *(ر.ک: حافظ، ۱۳۶۸: ۲۳- ۱۳۲)*؛ در حالی که این فراوانی در ۸۵

۱. در این آمار، وزن غزل ازبکی محاسبه نشده است.

www.SID.ir

Archive of SID

غزل از کل ۴۹۴ غزل بیدل در قافیهٔ «ت» بدین گونه است: رمل و متفرعات آن: ۴۶ غزل؛ هزج و گونه‌های آن: ۱۴ غزل؛ مضارع و انواع آن: ۱۳ غزل؛ مجتث و گونه‌های آن: ۹ غزل؛ رجز و متفرعات آن: ۲ غزل و مقتضب: ۱ غزل *(ر.ک: بیدل، ۱۳۷۶: ۱/ ۵۱۶- ۷۶۱)*. اغلب غزلهای صائب نیز به ترتیب در وزن رمل، هزج، مجتث و مضارع است *(ر.ک: صائب تبریزی، ۱۳۷۵: ۱/ چهارده)*. مقایسهٔ دیوان هادی با شاعران سبک هندی، شباهت بسیار زیاد این دیوان را از نظر انتخاب وزن و قافیه‌های مورد استفاده شاعران سبک هندی؛ بویژه بیدل دهلوی و صائب تبریزی به اثبات می‌رساند.

نکتهٔ دیگری که دربارهٔ وزن شعر هادی و عموماً شاعران ماوراءالنّهر در این سالها شایستهٔ یادآوری است، دام سکته‌های وزنی‌ای است که شاعران به آن گرفتار شده‌اند؛ امری که تا به امروز نیز در شعر ماوراءالنّهر- و متأسفانه با سرایت به سایر حروف الفبا- دیده می‌شود. عینی در **نمونهٔ ادبیّات تاجیک** پس از نقل این بیت سپندی سمرقندی **«سپندی ! یار به عهدش وفا نکرد، برفت / مرا ز سینه قرار و ز دیده خواب امشب»** در پاورقی می‌نویسد: «**ی** سپندی از وزن مطلوبه زیاد است. یک قسم شعرای متأخرین به این بلا گرفتارند...» *(۳۴۰)*. در دیوان هادی سمرقندی نیز از این نوع سکته‌ها در موارد متعددی دیده می‌شود:

«ی» در ظلمانی:

شب ظلمانی بنگر، روشن از مهتاب می‌گردد *(۱۳۴)*

«ی» در ننمودی:

اگر ننمودی مرآت وجود احمدی ما را *(۵۱)*

«ی» در هادی:

گزیدن بس بود سیب زنخدان، هادی! خوبان را *(۱۱)*

«ی» در هادی:

هـــادی! قانـع باش گر عـزّ دو عالـم مدّعاست *(۱۷۳)*

۲-۱-۳. قافیه و ردیف

دربـارهٔ نقـش قافیـه و ردیـف در تکمیـل موسـیقی شـعر و در نتیجـه افـزایش تأثیرگذاری آن، بحثهای زیادی صورت گرفته اسـت *(ر.ک: شـفعی کـدکنی، ۱۳۷۶: ۶۲، ۱۲۴- ۱۳۸)*. آنچه دربارهٔ قافیه و ردیف در غزلیّات هادی سمرقندی می‌توان گفت، ایـن

www.SID.ir

Archive of SID

است که وی به دلیل قرار گرفتن در فضای فکری و فرهنگی سبک هندی اغلب از قوانین همین سبک سود می‌جوید، برای مثال، تکرار قافیه در یک غزل تا دو بار در شعر هادی سمرقندی امری عادی است *(۳ - ۴، ۵ - ۶، ۹، ۱۷،۱۳۳و ۱۷۵-۱۷۶)*؛ تکراری که حتّی در برخی از موارد نمی‌توان مبنای زیبایی‌شناسی قابل قبولی برای انگیزهٔ شاعر جز توجه به نفسِ تکرار قافیه پیدا کرد. از بررسی و تحلیل قافیه و ردیف در دیوان هادی این نتایج به دست آمد:

- در ۳۰ غزل تکرار قافیه وجود دارد؛

- در ۶۲ غزل، ردیف از نوع ردیف فعلی(ساده، مرکب و پیشوندی): ۲۴ مورد، ردیف اسمی(ساده و مرکب):۳۱ مورد، ردیف حرفی:۴ مورد، ردیف مرکب اسمی- حرفی: ۱ مورد و ردیف جمله‌ای: ۳ مورد به کار رفته است. در ۱۵ غزل نیز ردیف به کار نرفته است.

هرچند ردیفهای فعلی به دلیل پویایی خود، بیشترین بسامد را در شعر اغلب شاعران کلاسیک فارسی به خود اختصاص داده‌اند، و ردیفهای اسمی و حرفی از نظر تکرار در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند؛ رعایت این نسبت در شعر هادی سمرقندی برای ردیفهای فعلی و اسمی دیده نمی‌شود؛ امّا از آنجا که ما با دیوانی ناقص سر و کار داریم، نمی‌توانیم قضاوت درستی در این باره داشته باشیم.

بی‌توجّهی به عیوب قافیه از جمله عیب شایگان؛ یعنی قافیه کردن علامت جمع «ها» همانند سنّت شعری سبک هندی در دیوان شاعر البتّه با درصد کمتر دیده می‌شود. برای مثال شاعر در غزلی کلمات ثنای، پای، نوای، آشنای و برای را با کلمات ناله‌های، داغهای همقافیه کرده‌است *(۵۹- ۶۰)*.

۳-۱-۳. زبان شعر هادی

زبان شعر هادی، زبان شعر سبک هندی گونه فراورده‌ی است. وی در این زبان، علاوه بر استفاده از زبان ادبی معمول در سبک عراقی و وقوع، از زبان کوچه و بازار- نیز که پر از کلمات عامیانه است- سود جسته است. هادی سمرقندی ضمن بهره‌گیری از کلمات زبان فارسیِ معمول در ایران؛ از زبان فارسی فراورده‌ی نیز بهره گرفته است؛ به گونه‌ای که عدم آشنایی خواننده با قوانین این زبان در سه ساحتِ واژگان، ساختار و نظام آوایی که با زبان معمول در ایران تفاوتهایی دارد؛ او را در دریافت معنی و موسیقی شعر ناتوان می‌سازد *(ر.ک: رواقی، ۱۳۸۳: ده؛ یاحقّی، ۱۳۷۹: ۳۸۳)*.

www.SID.ir

Archive of SID

بدین ترتیب، در شعر هادی سمرقندی در کنار واژگان و ترکیبات خاص سبک هندی از قبیل صحرای جنون(۴)؛ جوشِ گریه، جوشِ رقص، موجِ باران، موجِ گریه (۱۰)؛ صندلِ دردِ سر، بالانشینان (۱۲)؛ چرخِ مهمان‌ْکش، طفلِ اشک (۱۳)؛ به رنگِ (مثل و مانندِ) (۱۶، ۱۷۸)؛ از بس، بس‌که، از بس‌که (۳۶)؛ و نیز کلمات و ترکیبات عامیانهٔ این سبک، از قبیل: کلاه انداختن (۴)؛ گل‌کردن (۵، ۱۷۴)؛ دست و پا زدن (۷)؛ لال شدن (۸)؛ ازخود رفتن(۱۰)؛ تخته چیدن دکان (تخته کردن دکان)، پریدن رنگ (۱۱)؛ نمک ریختن (۱۴)؛ پهلو زدن (۶۱) و اشکال مختلف گونهٔ زبان فارسی فرارودی هم به کار رفته است:

الف) واژگان و نظام آوایی

برخی از واژگان فارسی فرارودی دارای نظام آوایی متفاوتی از فارسی ایران است. برای مثل، کلمهٔ طلا [Talā] در ماوراءالنّهر قرن نوزدهم علاوه بر تلفّظ نرم ایران، به صورت طِلّا [Tellā] هم تلفّظ می‌شده است *(۱۶۵)*. همین گونه است کلمهٔ بزرگ [bozorg] که به صورت بُزْرُگ[bozrog] نیز تلفّظ می‌شده است *(۱۱۷، ۱۶۵)*. این نوع کاربرد، تأثیر مستقیمی در وزن شعر دارد. اشباع مصوّتهای کوتاه ضمّه [o] و کسره [e] به مصوّتهای بلند «و» [u] و «ای» [i] مثل «بوبند»، «بوپیچ»، «رویش» به جای «ببند»، «بپیچ» و «روش» در این گویش وجود دارد *(۱۷، ۱۰۸، ۱۸)*؛ نیز حذف و تخفیف و تبدیل در صامتها و مصوّتهای کلمات از قبیل تلفّظ پول [pul] به صورت پُل [pol]؛ نهایت به صورت نهایه؛ گشاد به صورت کشاد *(۱۱و ۱۱۶، ۱۷۶)*. برخی از این واژگان، مخصوصِ این گونه هستند یا دست کم امروز فقط در این گونه به کار می‌روند، از قبیل درکار (مورد نیاز، لازم و ضروری)؛ بس که (از آنجا که)؛ دستارخوان (سفره)؛ کَلند (کُلنگ)؛ طیار (آماده) *(۱۳۳، ۱۲۶، ۱۱۸و ۱۴۸)*.

ب) نظام نحوی

ساختار زبان فارسی فرارودی [تاجیکی] و زبان معیار آن در متون نظم و نثر قبل از ۱۹۰۵م تفاوت فاحشی با زبان معیار در ایران ندارد *(ر.ک: عینی، **۱۹۲۶**: ۵۲۹- ۵۳۰؛ رواقی، ۱۳۸۳: شصت و دو- هفتاد و شش)*؛ امّا زبان عامیانهٔ این منطقه از نخستین دوران شکل‌گیری فارسی نوین در سالهای بعد از ورود اسلام به ایران تا قرن دهم هجری همواره اختلافهایی با گونه‌های دیگر زبان فارسی در سایر حوزه‌های جغرافیایی جهان

www.SID.ir

Archive of SID

ایرانی داشته است. این تفاوت از قرن دهم هجری همزمان با روی کار آمدن شیبانیها در ماوراءالنّهر بیشتر شد، تا اینکه با ورود روسها به منطقه در قرن سیزدهم هجری/ نوزدهم میلادی و سرانجام انقلاب اکتبر۱۹۱۷م و تشکیل جمهوریهای مستقل اتّحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۲۴م، تشخّصی بیشتر یافت؛ به گونه‌ای که امروز یک بیت شعر یا یک سطر نثر این منطقه از میان هزاران بیت شعر و دفترهای نثرگونه‌های دیگر در ایران قابل تشخیص است.

باری، وجود رگه‌هایی از بومی‌گرایی در زبان فارسی فرارودی در متون منظوم و منثور این منطقه قولی است که جملگی برآنند. بدین جهت، در مقابل درصد قابل توجّه واژگان، ترکیبات و نظام آوایی گونهٔ ماوراءالنّهری در شعر هادی، درصد بسیار اندکی هم از ساختار و نظام نحوی این گونه، در شعر این شاعر یافتنی است؛ مسأله‌ای که با شروع دوران شوراها و رسمی شدن زبان تاجیکی به جای زبان فارسی، نمود کاملاً آشکارتری یافته است. در این دیوان موارد نادری از ساختار نحوی ویژهٔ فارسی ماوراءالنّهری از جمله کاربرد «نـ» نفی قبل از «بـ» فعلی (**ما نبرداریم سر از خطِّ فرمان شما؛** ***۱۸۱***)، ساختهای ویژه در جمله‌سازی (**توی گر قابلی؟** (**اگر تو قابلیت داری و سزاوار هستی**) **رسمِ رهِ علم‌آشنایان پرس؛** ***۱۷۸***) و کاربرد متعدی فعل ماندن (**قدم فهمیده ماندن** (**دانسته قدم برداشتن**) **لازمِ مرد است؛** ***۱۱۷***) دیده می‌شود.

ج) ناهمواریهای زبان هادی

حق آن است که بگوییم زبان شعر هادی گذشته از اشکالات نحوی و سستیهای معمول زمان خود که به نوعی اغلب شاعران گرفتار آن بوده‌اند، زبانی قابل قبول است. با این حال، استفادهٔ بیجا از کلمات برای پر کردن وزن شعر، حذفهای بدون قرینه، عدم دقّت در تطابق فعل و فاعل در افراد و جمع، مطابقهٔ نادرست فعل با فاعل و سکته‌های وزنی نسبتاً زیاد از نمونه‌های بارز این کاستیهاست. برای مثل، شاعر در بیت زیر، کلمهٔ کس را فقط به دلیل پر کردن وزن شعر آورده است:

به این طرز غزل، مضمون رنگین، معنـی مـوزون
که خواهد جز سپندی گفت هادی! کس جـوابش را؟ (۲۰)

شاعر در مصراع دوم بیت زیر به سبب قافیه کردن علوّ با خو، نکو و رو دچار تنگی قافیه و ساختار شعرش بشدّت دچار ضعف تألیف شده است؛ همان گونه که در مصراع

www.SID.ir

Archive of SID

نخست با استفاده از حسّامیزی شگفت‌انگیزی؛ خورشید با گوش هوش، به مخاطبان خودپندی گفته است!

با گوش هوش می‌گفت، خورشید وقت مغرب

کامروز هر که شد پست، فردا علو برآید(۱۲۰)

شاعر در ابیات زیر دقت کافی در مطابقهٔ فعل با فاعل از نظر معنی و افراد و جمع نداشته است:

به یک دل در دو عالم عشق نتوان باختن، آری

محال است، ای پسر! یک خوشه زین مزرع دو سر دارد(۱۶۴)

گل می‌نماید اول، نخلی که میوه‌دار است

پیش از کرم کریمان، خندان‌رو برآید (۱۶۴)

۴-۱-۳. غزل هادیانه

دردا که خویش هم نشنیدم چه سود اگر

گفتم بلند این غزل هادیانه را(۱۷)

فضایی که هادی سمرقندی در آن نفس می‌کشید، فضایی بود که یکسره در انحصار هندی‌سرایان، بویژه بیدل دهلوی بود؛ امّا هادی سمرقندی آگاهانه پا در راهی گذاشته که صائب تبریزی سالها قبل آن را درنوردیده بود. شاعر در این فضا هرچند غزلهایی با حال و هوای غزلهای عراقی و وقوع نیز می‌سرود *(۱۰۶، ۱۶۵،۱۶۷،۱۷۰ -۱۷۱ و ۱۷۸)*؛ لکن شگرد خاص غزل هادیانه، غزلی است که ساختار آن با ویژگیهای غزل سبک هندی، بویژه صائب تبریزی مطابقت دارد، و این همان گونه که پیشتر گفته شد، نافی تأثیر بیدل در شعر هادی سمرقندی نیست، ولی تلاش شاعر در مضمون‌سازی با استفاده از اسلوب معادله یا تمثیل بارزترین شگرد شاعرانهٔ اوست که خواسته و ناخواسته وی را در جرگهٔ شاعرانی امثال صائب تبریزی قرار می‌دهد، نه بیدل دهلوی. در این شگرد هادی با هدف قرار دادن یکی از عواطف فردی یا فراگیر انسانی، و ساختن معادله‌ای هندسی در دو سوی مصراعهای یک بیت که اغلب رابطهٔ ذهنی- عینی و یا عینی- ذهنی در آنها رعایت شده است، مضمون‌سازی می‌کند. دایرهٔ این مضمون‌سازی نیز وسیع است. مصالح و مواد خام این مضامین اغلب در شاعران سبک هندی یافتنی است؛ امّا تازگیهایی نیز در زاویهٔ دید شاعر نسبت به زندگی و لوازم آن دیده می‌شود که مخصوص شاعر است.

www.SID.ir

Archive of SID

اینکه ادّعا می‌کنیم غزل هادیانه، بیشتر صائبانه است تا بیدلانه؛ به دلیل وجود عناصر شعر یکی و نبود عناصر شعر دیگری در غزل شاعر نیست؛ چرا که مثلاً هادی مشخصاً به استقبال غزلیّات بیدل رفته و از وزن و قافیهٔ وی در شعرهای خود بهره گرفته است، حتّی در کاربرد برخی از ویژگیهای شعر بیدل، از قبیل کاربرد وابسته‌های عددی خاص مثل صد دامن صحرا (۱۴)؛ یک جهان خاموش (۳۷)؛ یک تپش آب گشتن (۱۳۴) و صد خم نشئه، صد چمن تبخاله، صد قیامت نَفَس (۱۷۴) و عبارتهای متناقض‌نما و پارادوکسی مانندِ از فقر به معراج غنا رفتن (۴)؛ سپیدی شب وصل (۱۰)؛ دیدن از ندیدن گل کردن (۱۴)؛ شمع از ظلمت افروختن (۶۰) استفاده کرده است؛ امّا بسامد این عناصر که مهمترین بحث سبک‌شناسی است، آن قدر در شعر هادی کمرنگ است که نمی‌توان آنها را از ویژگیهای شاعر به حساب آورد، چرا که این گونه عناصر در شعر صائب هم دیده می‌شود *(ر.ک: گلچین معانی، ۱۳۸۱: ۲/ ۴۷۲- ۴۸۰)*.

بدین ترتیب، شگرد خاصِّ هادی، استفاده از تمثیل برای مضمون‌سازی است که صائب در این شیوه سرآمد تمام شاعران فارسی زبان است *(ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۷۱: ۶۴)*. در مقابل، در شعر هادی، خبری از ترکیبهای خاص، تجریدهای بیدلانه و حسّامیزی نیست؛ و این که عینی در نمونهٔ ادبیّات تاجیک به هنگام معرفی هادی سمرقندی هیچ اظهار نظری دربارهٔ تأثیرپذیری این شاعر از بیدل نکرده است، حاکی از عمق دانش این محقّق در شناخت مسائل نظری شعر و مبانی سبک‌شناسی است *(۵۰۹-۵۱۵)*. این در حالی است که مؤلّف کتاب ***از رودکی تا امروز*** به هنگام بررسی محیط ادبی سمرقند در قرن نوزدهم، بی‌جهت سبک شعر هادی سمرقندی را در ردیف سایر مقلّدان بیدل در این سالها قرار داده است که به نظر نگارنده کاملاً ناصواب می‌نماید *(۱۲۸)*. بنابراین، اگر ما بخواهیم موفقیتی نصیب شاعر بدانیم، تلاشی است که وی در جهت بروز خلاّقیت در مضمون‌یابی شاعرانه، ویژهٔ شاعران سبک هندی مشخصاً امثال صائب تبریزی داشته و در این راه توانسته است گامهایی هرچند ابتدایی بردارد. چند نمونه از تمثیلهای هادی (ذهنی- عینی، عینی- ذهنی) را می‌خوانیم:

کجروان را چرخ کجرو می‌کند همدم به خود
کرد فرزین، همنشین خویش دایم شاه را(۵۵)

مقیم کوی یارم، خواری من عزّتی دارد
که خاری بر سر دیوار باغ افتاد، پسند افتاد(۱۱۷)

www.SID.ir

Archive of SID

مباش از معـصیت نومیـد و رنـگ زرد پیـدا کـن
که کوه جرم می‌بخشد با یک برگ کـاه آنجـا(۴)
مخواه از طینت کـج‌طبـع، وضـع راسـتان اینجـا
چه امکان است گردد تیر، از چـوب کمـان اینجـا؟(۹)
کمـال حیـرت آخـر مـی‌کنـد آیینـه را گویـا
خموشی گشت کامل، چشم می‌گردد زبـان اینجـا(۹)
صـباح عـیش مـا را شـام غـم در آسـتین باشـد
شب وصل از برای روز هجـران شـد سـپید اینجـا(۹)
پیوسـته اهـل حـرص، ذلیـل‌انـد در جهـان
خرمن به خـاک تیـره نـشانده‌سـت دانـه را(۱۷)
همزبـانی‌هـای چـشم او مـرا خـاموش کـرد
هر که با دانـا نـشیند، عاقبـت دانـا شـود(۱۷۹)

۲-۳. نقد محتوا؛ سرچشمهٔ عواطف، سیری در جهان‌بینی شاعر

هادی سمرقندی مسلمان است و حنفی مذهب و از نظر اندیشه پیرو تفکّر اشعری؛ و آن گونه که از دیوانش برمی‌آید، سخت به عرفان و اندیشه‌های صوفیانه دلبستگی دارد. بدین جهت، باید یکی از اصلی‌ترین منابع و مصالح اندیشه و عاطفهٔ شاعر را در همین اعتقادات او جست و به دین و عرفان به عنوان دو عنصر اساسی جهان‌بینی او عمیقاً توجّه نشان داد. در دیوان غزلیّات این شاعر علاوه بر انعکاس مفاهیم و عناصر عام دینی، مدایح و نعتهای فراوانی دربارهٔ خالق هستی *(۲- ۴)*، پیامبر رحمت، حضرت محمد(ص) *(۴- ۹؛ ۱۱۶- ۱۱۷)* و چهار یار وی *(۱۷۴- ۱۷۵)* دیده می‌شود که حکایت از عمق اعتقادات دینی شاعر تواند بود.

یکی دیگر از جنبه‌های جهان‌بینی دینی هادی سمرقندی، تمایل شاعر به عرفان و تعالیم عرفانی است. در روزگار هادی سمرقندی، انتساب به یکی از سلسله‌های عرفانی و یا دستِ کم تمایل قلبی به تعالیم یکی از این طریقتها در بین عامهٔ مردم، فارغ از وابستگی طبقاتی آنها، امری مشهود بوده است. بدین جهت شاعران این منطقه به نحوی از اَنحا، به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر فضای فکری و فرهنگی‌ای قرار داشتند که عارفان مسلمان آن را ایجاد کرده بودند. در این میان تعالیم خواجه بهاءالدّین محمد نقشبند (۷۱۸- ۷۹۱ق/۱۳۱۸- ۱۳۸۹م) و طریقت منسوب بدو «نقشبندیه»، بیشترین

www.SID.ir

Archive of SID

تأثیر را داشت؛ به گونه‌ای که بنابر آنچه از محتوای برخی از تألیفات ادبیّات روشنفکری و انتقادی این دوره بر می‌آید، مردم او را همسنگِ خداوند، احترام می‌گذاشتند: «امروز در تمام بخارا کسی نیست که هر دم به جای «یا الله!»، «یا بهاءالدین!» نگوید!» *(ر.ک: فطرت، ۱۳۳۰: ۱۸۰)*

فرمانِ مشهور «دل به یار و دست به کار» خواجهٔ نقشبند، راهنمای عملی پیروان و دوستداران این طریقت بود و هشت دستور معروف او « هوش دردم، نظر بر قدم، سفر در وطن، خلوت در انجمن، یاد کرد، بازگشت، نگاهداشت، یادداشت» روزان و شبان، آنها را به تصفیهٔ باطن فرا می‌خواند *(ر.ک: زرّین کوب، ۱۳۷۶: ۲۱۰)*. هرچند وجود این عناصر دلیلی بر وابستگی عملی و پیروی شاعر از یک پیر خاص، در طی طریق سیر و سلوک نیست، و شاعر در مواردی از آنها فقط به عنوان مصالح اولیهٔ مضمون‌سازی در شعر خود سود جسته است؛ این گونه اشارات از نظر جریان‌شناسی اجتماعی و میزان تعلّق طبقات مردم به این گونه طریقتها، درخور بررسی و تحقیق است:

از کبوتر خانهٔ دل کیست آید سوی ما؟
تا کند فهم رموز نعرهٔ هوهوی ما(۳۷)

شخص آگه را بود، خلوت مان انجمن
بین انجم سعی کار خویش باشد ماه را

بگذر از غفلت، نقاب چهرهٔ مقصود توست
هر دو عالم در نظر باشد، دل آگاه را

کام دل حاصل توان کرد از فرو رفتن به خویش
یوسف مقصود در آغوش باشد چاه را(۵۴)

درین محفل گرت جمعیت دل مدعا باشد
نفس در قید دل بگذار و بر هم بند مژگان را(۵۶)

نشان از دست دادم در جهان تا نام پیدا شد
که عنقا را وجود گم شدن، مشهور می‌سازد (۱۶۷)

از سوی دیگر، روزگار هادی سمرقندی از نگاه وابستگی ایدئولوژیک، بشدّت به شاه، امیر، وزیر و ملازمات آن وابسته است. مردم در این دوران از دریچهٔ نگاه این طایفه و وابستگان فکری آنها به هستی می‌نگریستند. به همین دلیل، همه چیز در این روزگار در پیروی از دربار تحوّل‌گریز و ایستا بود و به گذشته نظر داشت؛ حتّی وقتی شاعری

www.SID.ir

Archive of SID

آزادمنش چون هادی نزدیک به سه دهه از عمر خود را زیر چکمهٔ استبداد و اشغال روسیّه تجربه می‌کند، نمی‌تواند اعتراضی آشکار به وضعیت اجتماعی موجود کند. حقیقتاً دیوان شاعران این سالها از این حیث، از فقیرترین دیوانهای شعر فارسی این منطقه است.

امّا دیوان به جامانده از میرزا هادی سمرقندی از چند جهت با شاعران هم‌روزگار خود در سمرقند و حتّی بخارای قرن نوزدهم متفاوت است: نخست این که در این دیوان، حتّی یک بیت مدح شاه و امیر، دیده نمی‌شود؛ اگر هم در جایی نام دستگاه دولت و دربار آمده است، برای آگاهی دادن به کسانی است که فکر می‌کنند در پناه دولت عزتی می‌توان یافت:

بـود انـدر پنـاه اهـل دولـت، بیـشتر خـواری

که پامال است سبزه، زیر نخل میـوه‌دار اینجـا (۱۳)

این در حالی است که در اغلب دواوین شاعران هم‌روزگار هادی، قصاید و غزلیّات مدحی بیداد می‌کند و البته، این مسأله علّت‌العلل گمنامی شاعر است. اگر او هم مانند شاعران دیگر، مدّاح دربار می‌شد، نامش در تذکره‌ها می‌آمد. دیگر اینکه در دیوان هادی از مخمس‌بندی بر غزلیّات شاعران دیگر که از اصلی‌ترین مشغله‌های شاعران مقلّد و غیرمقلّد این خطّه بود، نیز از مادهٔ تاریخ‌سازی و موشّح به نام دیگران، خبری نیست و این نشان از تلاش شاعر برای گریز از تقلیدی بود که زندگی شاعران را در آن سالها تحت تأثیر خود قرار داده بود.

نتیجه‌گیری

هادی سمرقندی یکی از شاعران فارسی‌زبان قرن سیزدهم و چهاردهم قمری/ نوزدهم میلادی حوزهٔ جغرافیایی ماوراءالنّهر است که به دلیل گم شدن دیوان شاعر و نیز دوری از دربار فاسد امارت بخارا، اطلاّعات ناقص و بعضاً نادرستی دربارهٔ او در منابع مؤلّف در ماوراءالنّهر و ایران به ثبت رسیده است. هادی در روزگاری که عواطف اغلب شاعران همزمانش به لکّهٔ سیاه نانِ دربار آلوده بود، با پشت کردن به امارت و اشتغال به تعلیم و تربیت، و نیز با نگاه تازه و بدیع به مضامین و مسائل انسانی و اخلاقی، تلاشِ در خور تقدیری از خود نشان داده است. در این مقاله برای نخستین بار و با استفاده از منابع

www.SID.ir

Archive of SID

دست اوّل ماوراءالنّهر، چشم‌انداز کاملاً روشنی از دوران شاعر، اندیشه و جهان‌بینی او و سبک شاعری وی ترسیم شده است.

موضوع دیوان هادی سمرقندی و غزلهای واعظ قزوینی در آن، نخستین بار است که از جانب نگارنده مطرح می‌شود. این مقاله، برای عموم محققان ایران و آسیای مرکزی در نوع خود از نظر ارائهٔ اطّلاعات دستِ اول در بارهٔ زندگی و شعر یکی از شاعران فارسی‌زبانِ ماوراءالنّهر شایستهٔ توجه است و می تواند در رفع ابهامات و اشتباهات مربوط به زندگی و شعر شاعر یاد شده، آن هم پس از نزیک به یک قرن راهگشا و ثمربخش واقع شود.

منابع*

۱- آرین‌پور، یحیی .(۱۳۷۵ش). **از صبا تا نیما**، ۲ج، تهران: زوّار، چاپ ششم.

۲- احمدی، بابک .(۱۳۷۸ش). **ساختار و تأویل متن**، تهران: نشر مرکز، چاپ چهارم.

۳- امین‌اف، مرادجان، و دیگران .(۱۹۹۷م). **دایرةالمعارف جمهوری ازبکستان** [تک جلدی]، تاشکند: مرکز دایرةالمعارفها (به خط و زبان سریلیک ـ ازبکی).

۴- انوشه، حسن [به سرپرستی] .(۱۳۸۰ش). **دانشنامهٔ ادب فارسی، ادب فارسی در آسیای میانه**، ج۱، ویراست ۲، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۵- باسورث، کلیفورد ادموند .(۱۳۸۱ش). **سلسله‌های اسلامی جدید**، راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمهٔ فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

۶- بیدل دهلوی، عبدالقادر .(۱۳۷۶ش). **کلّیّات عبدالقادر بیدل دهلوی**، تصحیح اکبر بهداروند و پرویز عباسی داکانی، تهران: نشر الهام.

۷- پورنامداریان، تقی .(۱۳۸۰ش). **در سایهٔ آفتاب**، شعر فارسی و ساخت شکنی در شعر مولانا، تهران: سخن.

۸- بچکا، یرژی .(۱۳۷۲ش). **ادبیّات فارسی در تاجیکستان**، ترجمهٔ محمود عبادیان و سعید عبانژاد هجران دوست، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.

۹- توخلیف، نوراسلام، و آلّه کِریمنتس اوا .(۲۰۰۲م). **جمهوری ازبکستان**، تاشکند: دایره‌المعارف ازبکستان (به خط و زبان سریلیک ـ ازبکی).

* - این فهرست، شامل تمام منابعی است که به زبانهای فارسی، فارسی فرارودی [تاجیکی] و ازبکی با الفبای سریلیک و به شیوهٔ چاپی سنگی به طبع رسیده‌اند. نسخ خطی و روزنامه‌ها نیز در این فهرست گنجانده شده‌اند.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۰- حافظ، شمس الدّین محمّد .(۱۳۶۸ش). **دیوان حافظ**، به کوشش خلیل خطّیب رهبر، تهران: صفی علیشاه، چاپ پنجم.

۱۱- حبیب‌اف، امیربیگ .(۱۹۹۱م). **گنج زرافشان**، دوشنبه: ادیب (به خط و زبان سریلیک ـ تاجیکی).

۱۲- دانش، احمد مخدوم .(۱۹۶۰م). **رساله یا مختصری از تاریخ سلطنت منغتیّه**، به سعی و اهتمام و تصحیح عبدالغنی میرزایف، استالین‌آباد [دوشنبه]: نشریّات دولتی تاجیکستان.

۱۳- ذهنی، تورەقل، و صدرالدّین سعدی‌اف .(۱۹۷۳م). **سخنوران صیقل روی زمین**، دوشنبه: عرفان (به خط و زبان سریلیک ـ تاجیکی).

۱۴- رواقی، علی .(۱۳۸۳ش). **زبان فارسی فرارودی [تاجیکی]**، با همکاری شکیبا صیّاد، تهران: هرمس.

۱۵- زرّین‌کوب، عبدالحسین .(۱۳۷۶ش). **دنبالهٔ جستجو در تصوف ایران**، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.

۱۶- سارلی، ارازمحمّد .(۱۳۶۴ش). **ترکستان در تاریخ**، تهران: امیرکبیر.

۱۷- سپندی سمرقندی، ملاّ عبدالکریم، **دیوان**، نسخهٔ خطّی، دوشنبه: مخزن نسخ خطّی فارسی انستیتوی آثار خطّی تاجیکستان، شمارهٔ ۲۴۲۳.

۱۸- سیّدای نسفی .(۱۹۹۰م). ***کلّیّاتِ آثار***، مقدّمه و تصحیح جابلقا دادعلیشایف، دوشنبه: دانش.

۱۹- شفیعی کدکنی، محمدرضا .(۱۳۷۱ش). **شاعر آینه‌ها**، تهران: آگاه، چاپ سوم.

۲۰- ـــــــــــــــــــ .(۱۳۷۷ش). **گزیدهٔ غزلیّات شمس**، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم.

۲۱- ـــــــــــــــــــ .(۱۳۷۶ش). **موسیقی شعر**، تهران: آگاه، چاپ پنجم.

۲۲- شمیسا، سیروس .(۱۳۷۵ش). **سبک‌شناسی شعر**، تهران: فردوسی، چاپ دوم.

۲۳- صائب تبریزی، میرزامحمدعلی .(۱۳۷۵ش). **دیوان صائب تبریزی**، به کوشش محمد قهرمان، ج۱و۴، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم.

۲۴- عاصمی، محمّد [سرمحرّر] .(۱۹۸۸م). دایرة**المعارف شوروی تاجیک**، ج ۸، دوشنبه: دانشنامهٔ تاجیک (به خط و زبان سریلیکـ تاجیکی).

www.SID.ir

Archive of SID

۲۵- عبد عزیزاوا، نظیره .(۲۰۰۲م). **تاریخ روزنامه‌نگاری ازبکستان**، تاشکند: انتشارات آکادمی (به خط و زبان سریلیک‌ـ ازبکی).

۲۶- عزیز قل‌اف.ا [سر محرّر] .(۱۹۸۸-۱۹۸۹م). **دایره المعارف ادبیّات و صنعت [=هنر] تاجیک**، ج۱و۲، دوشنبه: دانشنامهٔ تاجیک (به خط و زبان سریلیک‌ـ تاجیکی).

۲۷- عینی، صدرالدین .(۱۹۲۶م). **نمونهٔ ادبیّات تاجیک**، مسکو: نشریات مرکزی خلق جماهیر شوروی سوسیالیستی.

۲۸- _____ .(۱۳۸۵ش). **نمونهٔ ادبیّات تاجیک**، به کوشش دکتر علی رواقی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.

۲۹- _____ .(۱۳۶۲ش). **یادداشتها**، به کوشش سعیدی سیرجانی، تهران: آگاه.

۳۰- فطرت، عبدالرّئوف .(۱۳۳۰ق). **بیانات سیاح هندی**، استانبول: مطبعهٔ اسلامیّهٔ حکمت.

۳۱- قربانف، ا.ق. [سر محرّر] .(۲۰۰۴م). **دایره المعارف ادبیّات و صنعت [=هنر] تاجیک**، ج۳، دوشنبه: دایره‌المعارف ملّی تاجیک (به خط و زبان سریلیک‌ـ تاجیکی).

۳۲- گلچین معانی، احمد .(۱۳۸۱ش). **فرهنگ اشعار صائب**، ۲ج، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.

۳۳- مؤتمن، زین‌العابدین .(۱۳۷۱ش). **تحوّل شعر فارسی**، تهران: طهوری، چاپ چهارم.

۳۴- محمّدی، محمّدحسین .(۱۳۷۴ش). **بیگانه مثل معنی**، تهران: میترا.

۳۵- موسوی گرمارودی، سیّدعلی .(۱۳۸۴ش). **از ساقه تا صدر**، تهران: قدیانی.

۳۶- نـــورعلی‌اف، و دیگـــران .(۱۹۸۹م). **ژورنالیـــستیکای ســـاویتی تاجیـــک [روزنامه‌نگاری شوروی تاجیک]**، دوشنبه: عرفان (به خط و زبان سریلیک‌ـ تاجیکی).

۳۷- واعظ قزوینی، ملامحمّد رفیع .(۱۳۵۹ش). **دیوان**، به کوشش دکترسیّد حسن سادات ناصری، تهران: علمی.

۳۸- وصلی سمرقندی، سیّداحمد .(۱۳۳۱ق). *دیوان فارسی*، چاپ سنگی، تاشکند: مطبعهٔ غلامیّه.

۳۹- وفایی، عباسعلی [به سرپرستی] .(۱۳۸۵ش). **دانشنامهٔ زبان و ادبیّات فارسی ازبکستان (قرن بیستم تاکنون)**، تهران: الهدی.

۴۰- هادی‌زاده، رسول .(۱۹۶۸م). **ادبیّات تاجیک در نیمهٔ دوم عصر ۱۹**، دوشنبه: دانش (به خط و زبان سریلیک‌ـ تاجیکی).

www.SID.ir

Archive of SID

۴۱- هادی‌زاده، رسول .(۱۹۸۸م). **از رودکی تا امروز**، دوشنبه: ادیب (به خط و زبان سریلیک- تاجیکی).

۴۲- هادی سمرقندی، نذرالدّین .(۱۹۱۴م). «*ابیات پراکنده*»، **هفته‌نامهٔ آیینه**، سال دوم، شمارهٔ ۱۱- ۱۲.

۴۳- ـــــــــــــــــــ .(۱۳۳۱ق). **دیوان میرزا هادی**، به کوشش فخرالدّین راجی، چاپ سنگی، سمرقند: [بی‌نا].

۴۴- یاحقّی، محمّد جعفر .(۱۳۷۹ش). **جویبار لحظه‌ها**، تهران: جامی، چاپ دوم.

www.SID.ir